

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» [سوره احزاب: آیات 45 تا 48]

در این آیه شریفه سوره مبارکه احزاب که از جمله آیات کثیرالقراءة است خدای تبارک و تعالی عناوینی برای نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) ذکر می‌کند که هر یک از این عناوین معلول یک جهتی در انسان است، خداوند می‌فرماید «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» باین رسالت که به تو عنایت کردیم پنج عنوان شاهد، مبشر، نذیر، داعی الی الله و سراج منیر پیدا می‌کنی. یعنی این پنج عنوان معلول رسالت است.

این آیه بنا بر نقل امیرالمؤمنین (علیه السلام) و نیز به قرینه «وَدَعْ أَذَاهُمْ» در مکه نازل شده و مربوط به آغاز بعثت پیامبر است که حضرت در مقابل شکنجه و آزار و اذیت مسلمین توسط کفار فقط مأمور به صبر و دعوت بودند اما بعدها که مأمور به هجرت شدند حکم جهاد در مدینه صادر شد، در دوران 13 ساله بعثت پیامبر در مکه حضرت مجاز به مقاتله با کفار نبودند.

اینکه افرادی ایراد می‌گیرند در دین خشونت خیلی زیاد است و می‌گویند چرا در قرآن آیات جهاد این قدر زیاد است؟ و متأسفانه بعضی از خودی‌ها هم این حرف را می‌زنند، یک علتش آن است که نمی‌دانند و جاهل هستند به اینکه پیامبر 13 سال تمام فقط شاهد و مبشر و نذیر و دعوت کننده به سوی خدا بوده است و بعد از آنکه به مدینه مهاجرت فرمودند حکم جهاد مطرح شد.

از این آیه چند نکته استفاده می‌شود، یکی اینکه تعلیق حکم بر صفت می‌رساند که رسالت موضوع برای این عناوین است، مثل اینکه خدا می‌فرماید ما توبه را می‌پذیریم زیرا «إِنَّ اللَّهَ غَفَّارٌ» عنوان غفار این اثر را دارد. در این آیه نیز رسالت موضوعیت برای شاهد بودن دارد. در تفاسیر هم شاهد را معنا می‌کنند به اینکه پیامبر شاهد بر اعمال مردم در روز قیامت است «وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» 41 سوره نساء. روز قیامت پیامبر را به عنوان شاهد می‌آورند یا «لِنَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»، آیه 143 سوره بقره. ائمه شاهد بر مردم هستند و رسول شاهد بر ائمه.

سؤال این است آیا ما باید کلمه‌ی شاهد را در قرآن فقط به همین معنای شهادت در روز قیامت بیان کنیم؟ بگوئیم رسول خدا که ناظر بر اعمال مردم در دنیا است، آن را می‌بیند و متحمل می‌شود تا در روز قیامت شهادت به آن دهد. این که امری مسلم و با آیات متعدده‌ای از قرآن روشن و ثابت است، اما می‌شود این استفاده را هم کرد که رسول و رسولان، یعنی کسانی که استمرار خط رسالت را بر دوش دارند باید در دنیا هم اعمال مردم را رصد کنند، البته نه اعمال خصوصی بلکه اعمال اجتماعی را، آنها باید شاهد باشند که در جامعه چه می‌گذرد. بلکه مواردی از آیات را باید منحصر به تحمل شهادت نمود، نظیر «وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» که مسلم مراد شهادت در روز قیامت است اما این آیه سوره احزاب را نمی‌شود منحصر به قیامت کرد و می‌توان

گفت یکی از تکالیف پیامبر این است که در همین دنیا ناظر بر اعمال مردم باشد، مراقب باشد مردم واجباتشان را انجام می‌دهند یا نه؟ محرمات را ترک می‌کنند یا نه؟

امام جامعه و حاکم مسلمین باید شاهد بر همه امور، حتی در مسائل معاملی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی مردم و جامعه باشد. چنین استفاده‌ای از این آیه بعید نیست. وقتی خدا به پیامبر می‌فرماید «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا» یعنی ما تو را در همین دنیا شاهد قرار داده ایم، به حسب آنچه در علم اصول خوانده‌ایم این کلام ظهور در فعلیت دارد یعنی پیامبر الآن شاهد است نه اینکه اکنون تحمل شهادت می‌کند.

بله در آیات دیگر مسئله تحمل شهادت مطرح است، اما در این آیه شریفه اگر بخواهد فنی بیان شود باید بگوییم تحمل شهادت نیاز به قرینه دارد، چون خداوند با ذکر عناوین دیگر در صدد بیان اینست که الآن باید شاهد باشی و نظارت کنی و مبشر و منذر و دعوت کننده باشی، حالا به چه طریقی؟ آن هم یک بحث مفصل و مهم دیگر است که ما از آیه 89 سوره نحل «وَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» استفاده کرده‌ایم که یک راه ناظر بودن پیامبر خود قرآن است.

به هر حال پیامبر باید شاهد باشد، به مردم بشارت و امید بدهد و آنها را امیدوار به آینده کند، نذیر نسبت به جهنم و عذاب الهی و عقبه‌هایی که در قیامت وجود دارد هم باشد. باید مردم را از مُردن به بعد، حتی از آثار وضعی گناه در همین دنیا انداز کند، اینها که می‌گویند چیزی به نام جهنم نداریم یا فقط حرف از رحمانیت خدا می‌زنند حرف‌هایشان برخلاف صریح آیات قرآن است.

آن گاه می‌فرماید «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ» وقتی به مقام رسالت رسید باید به اذن حق دعوت به خدا کند، اینجا چند سؤال مطرح می‌شود: اولاً مگر دعوت به سوی خدا نیاز به اذن خدا دارد؟ می‌گوییم کلمه بِإِذْنِهِ یعنی بأمَرِهِ، خدا امر کرده که مردم را به سوی او دعوت کنی، اگر اذن را به معنای امر بگیریم معنای آیه قابل قبول می‌شود، اگر هم بخواهیم معنای ظاهری اذن را حفظ کنیم یعنی برای دعوت باید یک امر خاص وجود داشته باشد، یعنی هر کسی نمی‌تواند مردم را به خدا دعوت کند، افراد خاصی صلاحیت دعوت به سوی خدا را دارند.

اینک می‌خواهم این عناوین را به یک نحو محدود تطبیق به وظائف و رسالت روحانیت و طلبه‌ها دهم.

چون رسالت و مسئولیت تبلیغ دین و تیشیر و تنذیر مردم بر عهده روحانیت است پس شاهد هم باید باشد، شاهد به همین معنایی که بیان شد و با لغت هم کاملاً سازگاری دارد و تحمل و اداء آن در روز قیامت یکی از مصادیق آن است. روحانیت باید نظاره‌گر امور و افعال مردم، مسئولین دولت و نظام باشد. گاهی در برابر موضع‌گیری روحانیت در قبال مفاسد اجتماعی و رواج بی‌حجابی در جامعه، شنیده می‌شود عده‌ای می‌گویند شما چه کاره هستید؟

سؤال ما این است که اگر پیامبر بود آیا دخالت نمی‌کرد؟ گاهی می‌گویند ما در تاریخ سراغ نداریم در زمان رسول اکرم یا امیرالمؤمنین به کسی که حجاب نداشته یا بدحجاب بوده تذکری داده باشند؟! اولاً مگر همه تاریخ برای ما نقل شده؟ خیلی از قضایا هست که نقل نشده، ثانیاً ما که نمی‌توانیم محکومات قرآن را رها کرده و سراغ تاریخ برویم! قرآن در آیه 13 سوره مبارکه شوری می‌فرماید ما انبیاء را فرستادیم برای اقامه دین، «شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» دین باید در جامعه و بین مردم اقامه شود، بعد از نزول آیه حجاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» روایت دارد که «خرجن النساء من البيوت»، زن‌ها از خانه‌هایشان به این شکل خارج می‌شدند که مقداری از صورتشان پیدا بود و با یک پارچه مشکی کاملاً خود را می‌پوشاندند.

مگر می‌شود از چنین حکم صریحی تخلف شود و پیامبر یا امیرالمؤمنین که با امور خیلی کمتر از این برخورد می‌کردند واکنشی

به آن نشان ندهند؟ مگر همه تاریخ برای ما نقل شده؟ مگروضع زنان آن زمان مثل حالا بوده که اینقدر وسیع بیرون از خانه در کوچه و خیابان بپایند؟ زمان ما هنوز اذان صبح نشده زن‌ها بیرون از خانه هستند تا اواخر شب، اما آن زمان اصلاً مرسوم نبوده که زن‌ها اینچنین از خانه بیرون آیند، به ندرت بیرون می‌آمدند.

طلبه باید شاهد باشد ولو اینکه شاهد بودن او مرتبه‌ای نازل‌ه‌ای از نظارت پیامبر است، روحانیت باید مراقبت کند که کجا دین در معرض خطر قرار می‌گیرد؟ کجا می‌خواهند با دین مقابله کنند؟ کجا وجه شبهه‌ای القاء می‌شود؟

من همین روزها به مناسبت شهادت مرحوم شهید آیت الله مطهری (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) این مطلب را گفتم، در بررسی زندگی ایشان به این نتیجه می‌رسیم که آنچه ایشان را مطهری کرد این بود که او رصد می‌کرد کجا حرفی خلاف دین زده می‌شود با آن مقابله می‌کرد، کتاب می‌نوشت، منبر می‌رفت، بحث می‌کرد، ما هم باید همین‌طور باشیم، گاهی به بعضی دوستان می‌گویم ما تا به حال چند جا از اسلام دفاع کرده‌ایم؟ چندجا حرف زدیم و شبهاتی را حل کرده و در مقابل انحرافات ایستاده ایم؟

اینها باید باشد. باید هم شاهد و ناظر باشیم هم مبشر و منذر، همان‌طور که باید مردم را امیدوار به رحمت خدا، به بهشت خدا، به ثواب و عطاء خدا نمود در کنارش منذر نیز باید باشیم، اینکه بالای منبر فقط آیات رحمت را خوانده شود و بعد هم بگویند جهنم امری تخیلی است و اگر حرفی از آن زده شده برای آن است که یک مقداری در هدایت بشر تأثیرگذار باشد، به هیچ‌وجه درست نیست. جهنم و بهشت صددرصد واقعیت دارد و واقع خواهد شد «أَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ».

رسالت دیگر روحانیت «دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ» است. ما باید دعوت به سوی خدا و دعوت به امر او کنیم و این یک عنوان و مقام الهی است، چه توفیقی از این بالاتر که انسان دعوت به سوی خدا کند، بعید نیست مراد از بازنده همان اذن تکوینی و توفیق الهی باشد نه اذن تشریعی، هرچند ممکن است اذن تشریعی باشد. ولی بالأخره کسی که می‌خواهد دعوت به سوی خدا کند تا توفیق نداشته باشد نمی‌تواند. فکر نکنیم هر کسی می‌تواند بگوید من می‌خواهم داعی‌ای به سوی خدا باشم، در زیارتنامه‌های ائمه روی این جمله تأکید شده که شهادت می‌دهیم شما دعوت به سوی خدا کردید، ائمه ما همه داعی‌ای به سوی خدا بودند، بزرگان دین داعی‌ای به سوی خدا هستند، ما هم در حدّ خود باید تلاش کنیم داعی به سوی خدا باشیم.

در نهایت می‌فرماید «وَسِرَاجًا مُنِيرًا» همان‌گونه که پیامبر باید برای امت چراغ منیر باشد و اضاعه و نورافشانی کند، یک طلبه هم باید با عمل و گفتارش، با نگاه و برخوردهایش سراج منیر باشد تا دیگران از او درس بگیرند. سپس می‌فرماید «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا» به مؤمنینی که تبعیت از امر خدا می‌کنند بشارت ده که خداوند برای آنها فضل بزرگی در نظر دارد، این تعبیرخیلی عجیب است. فضل عطاء من غیر استحقاق است، یعنی بخشش و عطایی به انسان شود که استحقاق نداشته باشد.

لازم به ذکر است در شأن نزول این آیه آمده که وقتی نازل شد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) و معاذ را خواستند و آنها را به سمت یمن فرستاده و فرمودند «أذهبوا فبشرا و لا تنفروا و یسرا و لا تعسروا فإنه قد انزل علیّ یا ایها النبیّ إنا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً»

این دستور جزء ضروری برای تبلیغ دین است که انسان به نحوی با مردم صحبت نکند که مردم از دین نفرت پیدا کنند، یک حکم شرعی و مسئله فقهی می‌تواند به دو گونه بیان شود، یک‌جور که مخاطب را نگران و مأیوس کند به‌طوری که بگوید این چه دینی است؟ بیان دیگر آن‌گونه باشد که او را امیدوار سازد.

در تبلیغ دین از احکام و غیر احکام باید این عبارت «یسراً و لا تعسراً و بشراً و لا تنفراً...» سرلوحه کار ما باشد خصوصاً آنکه

در زمانه ما مشکلات فراوان است و یک مشکل همین مسئله بی‌حجابی است، اگر در برخورد با یک بی‌حجاب تعبیر لامذهب یا بی‌دین یا تعبیرات زشت به کار رود مسلماً تنفر پیدا می‌کند، باید با آنها به نحو صحیح برخورد شود. این روزها بحمدالله در صداوسیما می‌بینم خانم‌هایی که تذکراتشان خیلی محترمانه است.

البته در اینکه این مسئله ریشه سیاسی پیدا کرده جای خودش را دارد و برخورد مناسب خود را می‌خواهد ولی در فضای مجازی ملاحظه کردید فردی با عصا به یک زنی می‌زند که حجابت را رعایت کن، این وجه شرعی ندارد، امر به معروف و نهی از منکر حتی در زبان هم باید با قول و کلام نرم و لین باشد و این تصریح دستور قرآن است، با زبان خشن حق حرف زدن نداری، اگر او یک معصیتی می‌کند تو هم معصیت می‌کنی که با عصا می‌زنی، بلکه گناه عصا زدن یا تندگویی تو بدتر از معصیت او می‌باشد. این دستورات باید به‌خوبی مورد توجه قرار گیرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته